

## الفهرس

ردیف	نام درس	موضوع	صفحه
۱	الدَّرْسُ الْأَوَّلُ	أهمية العمل	۲
		المعجم	۲
		اعلموا	۳
		حوار	۴
		التمرين الأول	۵
		التمرين الثاني	۶
		التمرين الثالث	۶
۲	الدَّرْسُ الثَّانِي	يد الفلاح	۸
		المعجم	۹
		درك مطلب	۱۰
		اعلموا	۱۰
		حوار	۱۱
		التمرين الأول	۱۲
		التمرين الثاني	۱۲
		التمرين الثالث	۱۳
		التمرين الرابع	۱۳
		التمرين الخامس	۱۴
		التمرين السادس	۱۵
		النشاط اللغوي	۱۶
		قيمة العمل	۱۸
		المعجم	۱۹
۳	الدَّرْسُ الثَّلَاثُ	درك مطلب	۲۰
		اعلموا	۲۱
		تمرين اول	۲۳
		تمرين دوم	۲۴
		حوار	۲۵
		التمرين الأول	۲۶
		التمرين الثاني	۲۶
		التمرين الثالث	۲۷
		التمرين الرابع	۲۷
		التمرين الخامس	۲۷
		البحث العلمي	۲۸
		هذا خلق الله	۳۰
		المعجم	۳۲
		درك مطلب	۳۲
		اعلموا	۳۳

۳۵	تمرین ۱	آدَرَسُ الرَّابِعِ	۴
۳۶	تمرین ۲		
۳۷	حوار		
۳۸	التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ		
۳۸	التَّمْرِينُ الثَّانِي		
۳۸	التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ		
۳۹	التَّمْرِينُ الرَّابِعُ		
۴۰	النَّشَاطُ اللَّغَوِي		

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَجَبِّلْ لِرَجُلَيْهِمُ


**درسنامه درس**

**عربی، زبان قرآن (۱)**

**محمد باقر بهروزی**

کلیه رشته های فنی و حرفه ای و کاردانش  
پایه دهم دوره دوم متوسطه

**ویرایش: شهریور ۱۴۰۰**



\* ♦ \* \* ♦ \*

" محمد باقر بهروزی "

(@Mba\_behruzi)

دبیر عربی استان مازندران

شهرستان نکا

\* ♦ \* \* ♦ \*

\* \* \* \* \*

" متن و ترجمه " درس ۱ عربی زبان قرآن (۱) فنی و حرفه ای و کاردانش

\* \* \* \* \*



\* \* \* \* \*

\* **حِرْفَة** : پیشه « جمع : حِرَف »

حِرْفَةُ الْمَرْءِ كَنْزٌ. الْإِمَامُ عَلِيٌّ (ع)  
پیشه انسان گنج است.

\* \* \* \* \*

**الدَّرْسُ الْأَوَّلُ : درس اول ص ۲**

برو به پایان

بازگشت به فهرست

**أَهْمِيَّةُ الْعَمَلِ : اهمیت کار**

يَهْتَمُّ الْإِسْلَامُ بِالْعَمَلِ الَّذِي يَنْفَعُ الْأَخْرِيْنَ وَ لَا يَضُرُّ النَّاسَ وَ يَكُونُ فِي كَسْبِ الرِّزْقِ الْحَلَالِ.

\* **يَهْتَمُّ بِ** : اهمیت می دهد به / **لَا يَضُرُّ** : ضرر نمی زند / **يَكُونُ** : می باشد

اسلام به کاری که دیگران را سود می رساند و مردم را ضرر نمی زند و در کسب روزی حلال می باشد اهمیت می دهد.

الْهَدَفُ مِنَ الْعَمَلِ لَا يَنْحَصِرُ فِي الْحُصُولِ عَلَى الْمَالِ وَ جَمْعُهُ فَقَطْ. \* **لَا يَنْحَصِرُ** : منحصر نمی شود

هدف از کار فقط در بدست آوردن ثروت و جمع آوری آن منحصر نمی شود.

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا يَنْظُرُ إِلَى شَخْصٍ يَعْجِبُهُ يَسْأَلُ: « هَلْ لَهُ حَرْفَةٌ؟ » فَإِنْ قِيلَ لَا؛ كَانَ يَقُولُ سَقَطَ مِنْ عَيْنِي.

❖ **يَعْجِبُهُ**: از او خوشش می آید / **إِنْ قِيلَ**: اگر گفته می شد « **قِيلَ**: گفته شد »

هر گاه رسول خدا به کسی که از او خوشش می آمد نگاه می کرد سوال می کرد: « آیا او کار دارد »؟ پس اگر گفته می شد نه؛ می گفت از چشمم افتاد.

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ...﴾ الْجَائِثَةُ: ۱ ❖ **صَالِح**: درستکار، کار درست

هرکس کاری شایسته انجام دهد، به سود خود اوست ....

الْأُمُورُ بِالتَّجَرِبَةِ، الْأَعْمَالُ بِالتَّجَرِبَةِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ (ع)

❖ **أُمُور**: چیزها « مفرد: أمر » / **حَبْرَة**: کاردانی و کارآزمودگی

چیزها با تجربه است و کارها با کاردانی و کارآزمودگی.

طَلَبُ الْحَلَالِ قَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

طلب روزی حلال بر هر زن و مرد مسلمان واجب است.

الْكَاسِبُ حَبِيبُ اللَّهِ وَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَحَرِّفَ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ ❖ **مُتَحَرِّف**: پیشه ور، دارای حرفه

کاسب حبیب (دوست) خداست. و بی گمان خداوند انسان دارای فن و حرفه را دوست می دارد.

الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تَسَعَةٌ مِنْهَا فِي طَلَبِ الْحَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

عبادت ده جزء است که نه جزء از آن طلب حلال است.

الْكَادُ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

❖ **كَادَ**: تلاشگر = **مَجِدَّ**، **مُجْتَهِد** / **عِيَال**: افراد خانواده

تلاشگر برای خانواده از راه حلال (کسی که از راه حلال برای خانواده اش تلاش می کند) همانند مجاهد در راه خدا است.

الْعَمَلُ بِالْيَدِ مِنْ عَمَلِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ وَ الصَّالِحِينَ. الْإِمَامُ مُوسَى الْكَاطِمُ

❖ **مُرْسَلِينَ**: فرستادگان / **أَوْصِيَاء**: جانشینان پیامبر « مفرد: وصي »

کار با دست از کارهای پیامبران و فرستادگان و جانشینان و نیکوکاران است.

❖ ❖ ❖ ❖ ❖ ❖

بازگشت به فهرست

" الْمُعْجَم " ص ۲

❖ ❖ ❖ ❖ ❖ ❖

أُمُور: چیزها « مفرد: أمر »	لَا يَضُرُّ: ضرر نمی زند
إِنْ قِيلَ: اگر گفته می شد « <b>قِيلَ</b> : گفته شد »	لَا يَنْحَصِرُ: منحصر نمی شود
أَوْصِيَاء: جانشینان پیامبر « مفرد: وصي »	مُتَحَرِّف: پیشه ور، دارای حرفه
حَرْفَة: پیشه « جمع: حرف »	مُرْسَلِينَ: فرستادگان
حَبْرَة: کاردانی و کارآزمودگی	يَعْجِبُهُ: از او خوشش می آید
صَالِح: درستکار، کار درست	يَكُونُ: می باشد
عِيَال: افراد خانواده	يَهْتَمُ بِ: اهمیت می دهد به
كَادَ: تلاشگر = <b>مَجِدَّ</b> ، <b>مُجْتَهِد</b>	

❖ ❖ ❖ ❖ ❖ ❖

" اَعْلَمُوا " ص ۳

❖ ❖ ❖ ❖ ❖ ❖

بازگشت به فهرست

مُراجَعَةُ الْقَوَاعِدِ: مرور قواعد

ضمیر	ماضی	مضارع	امر	نهی
------	------	-------	-----	-----



من	أنا	كِتَابِي	فَعَلْتُ	أَفْعَلُ	
تو	أنتَ	كِتَابِكَ	فَعَلْتَ	أَفْعَلُ	لا تَفْعَلُ
	أنتِ	كِتَابِكِ	فَعَلْتِ	تَفْعَلِينَ	لا تَفْعَلِي
او	هُوَ	كِتَابُهُ	فَعَلَ	يَفْعَلُ	
	هِيَ	كِتَابُهَا	فَعَلَتْ	تَفْعَلُ	
	نَحْنُ	كِتَابُنَا	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ	
شما	أَنْتُمْ	كِتَابِكُمْ	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	لا تَفْعَلُوا
	أَنْتُنَّ	كِتَابِكُنَّ	فَعَلْتُنَّ	تَفْعَلْنَ	لا تَفْعَلْنَ
	أَنْتُمَا	كِتَابِكُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	لا تَفْعَلَا
	أَنْتُمَا	كِتَابِكُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	لا تَفْعَلَا
ایشان	هُمْ	كِتَابِهِمْ	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ	
	هُنَّ	كِتَابِهِنَّ	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ	
	هُمَا	كِتَابِهِمَا	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ	
	هُمَا	كِتَابِهِمَا	فَعَلْتَا	تَفْعَلَانِ	

این جدول یادآوری مهم ترین آموخته های دوره اول متوسطه است؛ یادگیری مطالب جدول، در یک جلسه یک ساعته در کلاس درس امکان پذیر نیست. با تکرار و تمرین در منزل، این مطالب را ملکه ذهن خود کنید.

\*\*\*

" حواری " ص ۴

\*\*\*

حواری (التعارف) بازگشت به فهرست

گفتگو (آشنایی)

مَوْظَفٌ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ کارمندی در سالن فرودگاه	الْمُسَافِرُ مسافر
صَبَاحَ النَّوْرِ وَ السَّرُورِ صبح شما هم بخیر و روشنایی و شادی	صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي صبح بخیر ای برادرم
أَنَا بَخِيرٌ ، وَ كَيْفَ أَنْتَ؟ من خوبم و تو چطوری؟	كَيْفَ حَالُكَ؟ حالت چطوره؟
عَفْوًا ، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ بیخشد. اهل کجایی؟	بَخِيرٌ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ خوبم خدا رو شکر
مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ اسم شریف ت چیه؟	أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ من از جمهوری اسلامی ایران هستم.
اسمي سعيد. اسم من سعید است.	اسمي حسين و ما اسمك الكريم؟ اسم من حسین است و اسم شریف شما چیه؟
لا ؛ مَعَ الْأَسْفِ . لَكِنِّي أَحَبُّ أَنْ أُسَافِرَ .	هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانَ حَتَّى الْآنَ؟

آیا تا حالا به ایران سفر کردی؟	نه؛ متأسفانه. ولی من دوست دارم که سفر کنم.
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيرَانَ!	إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى اللَّقَاءِ؛ مَعَ السَّلَامَةِ
اگر خدا بخواهد به ایران سفر می کنی.	اگر خدا بخواهد؛ به امید دیدار؛ به سلامت
فِي أَمَانِ اللَّهِ در امان خدا	فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حَفِظَهُ . در امان و حفظ خدا.



**تَعَارُفٌ:** آشنایی با یکدیگر **قَاعَةٌ:** سالن «جمع: قاعات»  
**مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟** نام شریف شما چیست؟  
**أَنْ أُسَافِرَ:** که سفر کنم «ماضی: سَافَرَ / مضارع: يُسَافِرُ»



بازگشت به فهرست **تمرین ۱ قسمت الف" ص ۵**



۱- التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أ. عَيْنُ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةَ لِلْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ؛ ثُمَّ اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطًّا. \* عَيْنٌ: مشخص کن

۱- «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ أَعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.» رَسُولُ اللَّهِ (ص)  
**ترجمه:** برای (دنیایت  - دنیا ) چنان کار کن گویی همیشه (زندگی می کنی  - لذت می بری ) و برای آخرت چنان کار کن گویی (فردا می میری  - نزدیک است بمیری ).

۲- «أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)  
**ترجمه:** به آنچه گفته است (بنگر  - می نگرم ) و به آن که گفته است (نگر  - نمی نگرم ).

۳- «إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفْاضِلُ» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)  
**ترجمه:** هرگاه فرومایگان (به فرمانروایی برسند  - گرامی شوند )؛ شایستگان (برترها) هلاک شدند.

۴- «مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)  
**ترجمه:** هر کس (دشمنی  - دوستی ) کاشت؛ (زیان  - سود ) درو کرد.

۵- «أَلْكَالِمُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)  
**ترجمه:** سخن مانند داروست. اندکش (سود می رساند  - شفا می دهد ) و بسیارش گشنده است.

۶- «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ قَرِيضَةٌ.» رَسُولُ اللَّهِ (ص)  
**ترجمه:** دانش را می جویند  بجوئید  گرچه در چین باشد زیرا جستن دانش واجب  شایسته  است.

۷- إِذَا قَدَّرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)  
**ترجمه:** هر گاه (بر دشمنت توانایی یافتی  - دشمن را شکست دادی )، بخشیدن او را شکرانه قدرت یافتن بر او (قرار می دهی  - قرار بده )

\* توضیح پاورقی: اجْعَلْ + الْعَفْوُ = اجْعَلِ الْعَفْوَ (حرف ساکن لام در فعل امر اجْعَلْ، به دلیل برخورد با حرف ساکن لام در العفو کسره گرفته است. در اصطلاح گفته می شود «التقاء ساکنین» شده است).

۸- قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نَصْفُ الْعِلْمِ. امیر المؤمنین علی (ع)

ترجمه: گفتی (نادانم) - می دانم (✓) ، نیمی از دانش است.

\*\*\*

" تمرین ۱ " قسمت ب ص ۶

\*\*\*

ب. اُكْتُبِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَضَادَّةَ فِي الْحَدِيثِ الْأَوَّلِ وَالْخَامِسِ. بازگشت به فهرست

تَعِيشٌ ≠ مَوْتُ دُنْيَا ≠ آخِرَةٌ

زندگی می کنی # می میری دُنْيَا # آخِرَت

كَم # زِيَاد

\*\*\*

" تمرین ۱ " قسمت ج ص ۶

\*\*\*

ج. اُكْتُبِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ فِي الْفَرَاغِ. بازگشت به فهرست

[أَفْضَلُ / قَوْلُ / عُدْوَانُ / قُوَّةُ / أَحْسَنُ / كَلَامُ / قُدْرَةٌ / عَدَاوَةٌ]

أَفْضَلُ = أَحْسَنُ قَوْلُ = كَلَامُ عُدْوَانُ = عَدَاوَةٌ قُوَّةُ = قُدْرَةٌ

\*\*\*

" تمرین ۱ " قسمت د ص ۶

\*\*\*

د. اُكْتُبِ مُفْرَدَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. بازگشت به فهرست

أَفْضَلُ : أَحْسَنُ حَرْفٌ : حَرْفَةٌ قَرَأْتُ : قَرَأْتُ أَعْمَلُ : أَعْمَالٌ

\*\*\*

" تمرین ۱ " قسمت هـ ص ۶

\*\*\*

هـ. اُكْتُبِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِي الْجُمْلَةِ السَّابِعَةِ : نَوْعَ فِعْلِهَا رَا دَر جَمْلِهِ هَفْتَم بِنُويسِ. بازگشت به فهرست

قَدَرْتُ : فِعْلٌ مَاضِي أَجَعَلَ : فِعْلٌ أَمْرٌ

نوع فعل های کلمات خط کشیده شده :

إِعْمَلْ : فِعْلٌ أَمْرٌ لَا تَنْظُرْ : فِعْلٌ نَهْيٌ أَنْظُرْ : فِعْلٌ أَمْرٌ حَصَدَ : فِعْلٌ مَاضِي

يَنْفَعُ : فِعْلٌ مُضَارِعٌ أَطْلُبُوا : فِعْلٌ أَمْرٌ لَا أَعْلَمُ : مُضَارِعٌ مَنفِي مَلَكَ : فِعْلٌ مَاضِي

\*\*\*

" تمرین ۲ " ص ۶

\*\*\*

التمرين الثاني: تَرْجِمْ فِعْلَ كُلِّ جُمْلَةٍ ، ثُمَّ اُكْتُبِ نَوْعَهُ. \* تَرْجِمْ : ترجمه کن بازگشت به فهرست

نوع فعل	ترجمه فارسی	جمله
ماضي	نوشت	أَلَوَلَدُ كَتَبَ دَرُوسَهُ.
مضارع	می نویسد	صَدِيقِي يَكْتُبُ رِسَالَةً.
امر	بنویس	رَجَاءُ ، اُكْتُبِ وَاجِبَاتِكَ.
ماضي منفی	ننوشت	زَمِيلِي مَا كَتَبَ التَّمْرِينَ.
مستقبل (آینده)	خواهد نوشت	هُوَ سَيَكْتُبُ عَلَيَّ اللُّوْحَ.

سَوْفَ يَكْتُبُ الطَّيِّبُ وَصَفَةً.	خواهد نوشت	مستقبل (آینده)
لَا يَكْتُبُ الْعَاقِلُ عَلَى الشَّجَرَةِ.	می نویسد	مضارع منفی
مَنْ فَضَّلَكَ لَا تَكْتُبْ عَلَى كُرْسِيِّكَ.	ننویس	نهی

\*\*\*

" تمرین ۳ " ص ۶

\*\*\*

التمرین الثالث: اکتب وزن الكلمات التالية و حروفها الأصلية. بازگشت به فهرست

کلمات	وزن	وزن	وزن	حروف اصلی
ناصر ، منصور ، نصير	فاعل	مفعول	فعليل	ن ص ر
صبار ، صبور ، صابر	فعلال	فعلول	فاعل	ص ب ر

\*\*\*

بازگشت به فهرست برو به پایان پایان درس اول بازگشت به ابتدای درس ۱

\*\*\*

" متن و ترجمه " درس ۲ عربی زبان قرآن (۱) فنی و حرفه ای و کاردانش

\*\*\*



\*\*\*

أزرعوا و اغرسوا ، ... و الله ما عمل الناس عملاً أحلّ و لا أطيب منه. الإمام الصادق (ع)

شرح مفردات : اغرسوا : نهال بکارید « ماضی : غرس / مضارع : يغرس » / أحلّ : حلال تر / أطيب : خوب تر

کشاورزی کنید و نهال بکارید ، ... به خدا سوگند ، مردم کاری را حلال تر و خوب تر از آن انجام نداده اند.

\*\*\*

الدرس الثاني : درس دوم ص ۸

يد الفلاح : دست کشاورز بازگشت به فهرست برو به پایان

توجد قصص كثيرة في تاريخ الإسلام تبين لنا قيمة العمل ؛ منها : نبيّن : آشکار می کند « ماضی : بين »

در تاريخ اسلام داستان های بسياری وجود دارد (یافت می شود) که ارزش کار را برای ما آشکار می کند از جمله :

توضیح پاورقی : القصّة بتصرف : داستان با دستکاری و تصرف



كَانَ النَّبِيُّ (ص) جَالِسًا مَعَ خَمْسَةِ مِنْ أَصْحَابِهِ تَحْتَ شَجَرَةٍ ؛  
پیامبر (ص) با پنج نفر از یارانش زیر درختی نشسته بود ؛  
فَدَخَلَ عَلَيْهِمْ رَجُلٌ ذُو وَجْهِ أُسْمَرٍ وَ يَدَيْنِ خَشِنَتَيْنِ ؛

❁ شرح مفردات : ذُو : دارای / ذُو وَجْهِ أُسْمَرٍ : دارای چهره ای گندمگون / أُسْمَرٌ : گندمگون / يَدَيْنِ خَشِنَتَيْنِ : دو دست زبر « خَشِنَةٌ : زبر»

پس مردی با چهره ای گندمگون و دستانی زبر و خشن بر آنها وارد شد ؛

فَهُمُ الْحَاضِرُونَ مِنْ ظَاهِرِهِ أَنَّهُ فَلَاحٌ وَ مِهْنَتُهُ الزَّرَاعَةُ. ❁ مِهْنَةٌ : شغل = حِرْفَةٌ ، شُغْلٌ « جمع : مِهَنٌ »

حاضران از ظاهرش فهمیدند که او کشاورز است و شغلش کشاورزی است.

عِنْدَئِذٍ ضَحِكَ وَاحِدٌ مِنَ الْحَاضِرِينَ ❁ عِنْدَئِذٍ : در این هنگام

در این هنگام یکی از حاضران خندید

وَ أَرَادَ أَنْ يَسْتَهْزِئَ بِهِ ؛ ❁ يَسْتَهْزِئُ بِهِ : او را ریشخند می کند « ماضی : اسْتَهْزَأَ بِـ »

و خواست که او را مسخره کند.

لَكِنَّ النَّبِيَّ عِنْدَمَا شَاهَدَهُ رَحَبَ بِهِ ❁ رَحَبَ بِهِ : به او خوشامد گفت « مضارع : يَرْحَبُ »

ولی پیامبر وقتی که او را دید به او خوشامد گفت

وَ اجْلَسَهُ إِلَى جَانِبِهِ. ❁ اجْلَسَ : نشانید « مضارع : يُجْلِسُ »

و او را کنار خود نشانید.

فَتَعَجَبَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْحَاضِرِينَ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ؛

پس سه نفر از حاضران از این کار تعجب کردند.

ثُمَّ تَعَجَّبُوا كَثِيرًا حِينَمَا أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَدَ الْفَلَاحِ بِيَدِهِ وَ قَالَ :

سپس زیاد تعجب کردند وقتی که پیامبر خدا دست کشاورز را با دستش گرفت و فرمود :  
« إِنَّهَا يَدٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ. »

بی گمان آن دستی است که خدا و پیامبرش آنرا دوست دارند.

سَأَلَ رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ (ص) : أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ ؟ قَالَ : زَرْعُ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ.

مردی از پیامبر خدا (ص) سوال کرد : کدام ثروت بهتر است؟ فرمود : زراعتی که صاحبش آنرا کاشته است (بکارد).

رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً عَمَلَ عَمَلًا ، فَأَتَقَنَّهُ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

❁ شرح مفردات : رَحِمَ اللَّهُ : خدا رحمت کند! / أَتَقَنَ عَمَلًا : کاری را درست و استوار انجام داد « مضارع : يَتَقَنُ »

خداوند رحمت کند انسانی را که کاری انجام دهد پس آنرا درست و استوار انجام دهد.

آفَةُ النَّجْحِ الْكَسَلُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ (ع) ❁ نَجْحٌ : موفقیت = نَجَاحٌ / كَسَلٌ : تنبلی ≠ نَشَاطٌ

آفت موفقیت تنبلی است.



بازگشت به فهرست

" الْمُعْجَم " ص ۹

رَحَبَ بِهِ : به او خوشامد گفت « مضارع : يَرْحَبُ »	أَتَقَنَ عَمَلًا : کاری را درست و استوار انجام داد « مضارع : يَتَقَنُ »
رَحِمَ اللَّهُ : خدا رحمت کند!	اجْلَسَ : نشانید « مضارع : يُجْلِسُ »



عَدَدٌ : در این هنگام	أَحَلَّ : حلال تر
كَسَلٌ : تنبلی ≠ نشاط	أَسْمَرَ : گندمگون
مِهْنَةٌ : شغل = حِرْفَةٌ ، شُغْلٌ « جمع : مِهَنٌ »	أَطْيَبَ : خوب تر
نَجَاحٌ : موفقیت = نَجَاحٌ	أَعْرَسُوا : نهال بکارید « ماضی : عَرَسَ / مضارع : يَغْرِسُ »
يَدَيْنِ خَشْنَتَيْنِ : دو دست زبر « خَشْنَةٌ : زبر »	تَبَيَّنَ : آشکار می کند « ماضی : بَيَّنَّ »
يَسْتَهْزِئُ بِهِ : او را ریشخند می کند « ماضی : اسْتَهْزَأَ بِهِ »	ذُو : دارای
	ذُو وَجْهِ أَسْمَرَ : دارای چهره ای گندمگون

\*\*\*

\*\*\*

" حول النص " ص ۱۰

\*\*\*

بازگشت به فهرست

۱- ما كانت مهنة الرجل الذي دخل على النبي (ص) ؟  
ترجمه : شغل مردی که بر پیامبر (ص) وارد شد چه بود؟  
پاسخ : كانت مهنته فلاحاً.

۲- ماذا أراد أن يفعل الرجل الذي ضحك على الفلاح؟  
ترجمه : مردی که بر کشاورز خندید چه خواست انجام بدهد؟  
پاسخ : أراد أن يستهزئ به .

۳- كيف كان ظاهر الرجل الذي دخل في المجلس؟  
ترجمه : ظاهر مردی که وارد مجلس شد چگونه بود؟  
پاسخ : هو ذو وجه أسمر و يدين خشنتين .

۴- كم صحابياً كان جالساً مع النبي (ص)؟  
ترجمه : چند صحابه همراه پیامبر نشسته بود؟  
پاسخ : خمسة أصحاب .

۵- من رحب بالرجل الذي دخل الحاضرين؟  
ترجمه : چه کسی به مردی که بر حاضران وارد شد خوشامد گفت؟  
پاسخ : النبي (ص)

۶- أين كان رسول الله (ص) جالساً؟  
ترجمه : پیامبر خدا کجا نشسته بود؟  
پاسخ : تحت شجرة .

\*\*\*

" اعلّموا " ص ۱۰

\*\*\*

بازگشت به فهرست

الأعداد من واحد إلى مئة

الأعداد الترتيبية (الأول إلى العشرين)

الأعداد الأصلية (واحد إلى مئة)

واحد ۱	أَحَدَ عَشَرَ ۱۱	عَشْرَةٌ ۱۰	الأوَّل ۱	الأحادي عشر ۱۱م
اثنان ۲	اثناعَشَرَ ۱۲	عِشْرُونَ ۲۰	الثَّانِي ۲م	الثاني عشر ۱۲م
ثلاثة ۳	ثَلَاثَةَ عَشَرَ ۱۳	ثَلَاثُونَ ۳۰	الثَّالِث ۳م	الثالث عشر ۱۳م
أربعة ۴	أربعة عَشَرَ ۱۴	أربَعُونَ ۴۰	الرَّابِع ۴م	الرابع عشر ۱۴م
خَمسة ۵	خَمسة عَشَرَ ۱۵	خَمْسُونَ ۵۰	الخَامِس ۵م	الخامس عشر ۱۵م
سِتَّة ۶	سِتَّة عَشَرَ ۱۶	سِتُونَ ۶۰	السَّادِس ۶م	السادس عشر ۱۶م
سَبعة ۷	سَبعة عَشَرَ ۱۷	سَبْعُونَ ۷۰	السَّابِع ۷م	السابع عشر ۱۷م
ثَمَانِيَة ۸	ثَمَانِيَة عَشَرَ ۱۸	ثَمَانُونَ ۸۰	الثَّامِن ۸م	الثامن عشر ۱۸م
تِسعة ۹	تِسعة عَشَرَ ۱۹	تِسْعُونَ ۹۰	التَّاسِع ۹م	التاسع عشر ۱۹م
عَشْرَة ۱۰	عِشْرُونَ ۲۰	مِئَة ۱۰۰	العَاشِر ۱۰م	العشرون ۲۰م

۱- عددهای اصلی ثلاثة تا عَشْرَة به دو شکل با «ة» و بدون «ة» می آیند؛ مثال: أربعة و أربَع

۲- عددهای ۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۷۰، ۸۰، ۹۰ با «ون» و «ین» می آید؛ مثال: أربعون و أربَعین.

۳- «مئة» به صورت «مائة» نیز نوشته می شود.

۴- در زبان عربی یکان پیش از دهگان می آید؛ مثال: «أربعة و خمسون» یعنی پنجاه و چهار.

❖ توضیح پاورقی: آموزش قواعد معدود از اهداف کتاب نیست.



" حواری " ص ۱۱



حواری (بین سائحین) بازگشت به فهرست  
گفتگو (بین دو گردشگر)

سائح من ایران: گردشگری از ایران	سائح من العراق: گردشگری از عراق
مساء الخير. عصر بخیر	مساء النور. عصر بخیر
هل حضرتك من الكويت؟ آیا جنابعالی اهل کویت هستی؟	لا؛ أنا من العراق. أنت من باكستان؟ نه من اهل عراقم. آیا تو اهل پاکستانی؟
لا؛ أنا إيراني. كم مرة جئت للزيارة؟ نه من ایرانی ام. چند بار برای زیارت آمدی؟	جئت للمرة الأولى؛ و كم مرة جئت أنت؟ برای بار اول آمدم. و تو چندبار آمدی؟
أنا جئت للمرة الثانية. من برای بار دوم آمده ام. عمري ستة عشر عاماً. شانزده سال دارم.	كم عمرك؟ چند سالته؟
أنا من إيلام. من اهل ایلام هستم.	من أي مدينة أنت؟ تو اهل کدام شهری؟
هل ذهبت إلى إيران من قبل؟ آیا قبلاً به ایران رفته ای؟	طبيعة إيلام جميلة. طبیعت ایلام زیبا است!
كيف وجدت إيران؟ ایران را چگونه یافتی؟	نعم؛ ذهبت لزيارة الإمام الثامن (ع). بله برای زیارت امام هشتم رفتم.
	إن إيران بلد جميل جداً. قطعاً ایران کشور بسیار زیبایی است.



حضرتك: حضرت عالی

سائح: گردشگر « جمع: سائحون و سائح»



"تمرین ۱" ص ۱۲



بازگشت به فهرست  
 التمرین الأول: اجب عن العمليات الحسابية التالية كالمثال.  
 (+ زائد) (- ناقص) (÷ تقسيم على) (× ضرب، في)

$$10 \times 3 = 30$$

۱. عشرة في ثلاثة يساوي ثلاثين :

$$90 - 40 = 50$$

۲. تسعون ناقص أربعين يساوي خمسين.

$$100 \div 5 = 20$$

۳. مئة تقسيم على خمسة يساوي عشرين.

$$6 \times 11 = 66$$

۴. ستة في أحد عشر يساوي ستة وستين.

$$75 + 25 = 100$$

۵. خمسة وسبعون زائد خمسة وعشرين يساوي مئة.

$$82 \div 20 = 41$$

۶. اثنان وثمانون تقسيم على اثنين يساوي واحداً وأربعين.



زائد: به علاوه

برای اختصار کلمه «ضرب» در «ضرب في» حذف می شود.

يساوي: مساوی است با «ماضي: ساوی»

ناقص: منهای



"تمرین ۲" ص ۱۲



بازگشت به فهرست

التمرین الثاني: اكتب في الفراغ عدداً ترتيبياً مناسباً.

۱. الشهر ال ..... من شهور السنة شهر مهر.

ترجمه: ماه هفتم از ماه های سال ، ماه مهر است.

پاسخ: سابع

۲. اليوم ال ..... من أيام الأسبوع يوم الخميس.

ترجمه: روز ششم از روزهای سال ، روز پنج شنبه است.

پاسخ: سادس

۳. نحن في الصف ال ..... في هذه السنة الدراسية.

ترجمه: ما در کلاس دهم در این سال تحصیلی هستیم.

پاسخ: عاشر

۴. أَلْفَصْلُ ال ..... فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الشَّتَاءِ .  
ترجمه : فصل چهارم در سال ایرانی ، فصل زمستان است.  
پاسخ : رابع

۵. أَلْفَصْلُ ال ..... فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الْخَرِيفِ .  
ترجمه : فصل سوم در سال ایرانی ، فصل پاییز است.  
پاسخ : ثالث

۶. يَأْخُذُ الْفَائِزُ الْأَوَّلُ جَائِزَةً ذَهَبِيَّةً وَ الْفَائِزُ ال ..... جَائِزَةً فَضِيَّةً .  
ترجمه : برنده اول جایزه طلا و برنده دوم جایزه نقره می گیرد.  
پاسخ : ثانی

\* \* \* \* \*

" تمرین ۳ " ص ۱۳

\* \* \* \* \*

التمرین الثالث : انتخب الصحيح . بازگشت به فهرست

۱. سِتَّةٌ وَ سَبْعُونَ :  ۷۶  ۶۷  
۲. ثَلَاثَةٌ عَشْرٌ :  ۱۳  ۲۳  
۳. تِسْعَةٌ وَ ثَلَاثُونَ :  ۳۹  ۹۳  
۴. أَلْسَادِسٌ عَشْرٌ :  ۱۶ م  ۱۳ م

\* \* \* \* \*

" تمرین ۴ " ص ۱۳

\* \* \* \* \*

التمرین الرابع : ضَعُ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا مَنَاسِبًا مِّنَ الْأَعْدَادِ التَّالِيَةِ ثُمَّ كَمِّلِ التَّرْجَمَةَ.. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»  
شرح مفردات : ضَعُ : بگذار / ماضی : وَضَعَ / مضارع : يَضَعُ « كَمَّلَ : کامل کن / ماضی : كَمَّلَ / مضارع : يُكَمِّلُ »  
خَمْسٌ / اِثْنَانٌ / ثَلَاثَةٌ

۱- الصَّبْرُ ..... صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ ، وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص) \* طَاعَةٌ : بندگی / مَعْصِيَةٌ : نافرمانی  
ترجمه : بردباری سه گونه است : بردباری بر مصیبت و بردباری بر بندگی و بردباری بر نافرمانی.  
پاسخ : ثَلَاثَةٌ

۲- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : ..... لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ : « قَاطِعُ الرَّحِمِ وَ جَارُ السَّوِّءِ » .  
ترجمه : فرستاده خدا (ص) فرمود : دو نفر ، خدا روز رستاخیز به آنها نمی نگرد : برنده پیوند خویشان و همسایه بد.  
پاسخ : اِثْنَانِ

۳- عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ ..... الْوَرَعُ فِي الْخُلُوعِ ، وَ الصَّدَقَةُ فِي الْبِقَلَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الْمُصِيبَةِ وَ الصَّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ وَ الْحِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ .  
الإمام السَّجَّادُ (ع) \* شرح مفردات : قِلَّةٌ : کمی ≠ كَثْرَةٌ / حِلْمٌ : شکیبایی = صَبْرٌ

ترجمه : نشانه های مومن پنج چیز است : پارسایی در تنهایی ، صدقه در تنگدستی ، بردباری بر مصیبت ، راستگویی هنگام ترس و شکیبایی هنگام خشم .  
پاسخ : خَمْسٌ

\* \* \* \* \*

" تمرین ۵ " ص ۱۴



بازگشت به فهرست

۱۰:۵۰

۷:۲۰

۱۲

۵:۴۵

۵:۳۰

الْتَمَرِينُ الْخَامِسُ : اُكْتُبِ السَّاعَةَ بِالْأَرْقَامِ .

۱) الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ إِلَّا عَشْرَ دَقَائِقَ . . . . .

۲) السَّابِعَةَ وَ عَشْرُونَ دَقِيقَةً . . . . .

۳) الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ مَمَامًا . . . . .

۴) السَّادِسَةَ إِلَّا رُبْعًا . . . . .

۵) الْخَامِسَةَ وَ النِّصْفُ . . . . .



" تمرین ۶ " ص ۱۵



بازگشت به فهرست

الْتَمَرِينُ السَّادِسُ : تَرَجِّمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ .

۱- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ طَوْلَ قَامَةِ الزَّرَاقَةِ سِتَّةُ أَمْتَارٍ وَ تَسْتَطِيعُ رُؤْيَةَ خَلْفِهَا دُونَ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا؟

✦ شرح مفردات : أمتار: جمع متر / دُونَ أَنْ تُدِيرَ : بی آنکه بچرخاند « ماضی : أدار / مضارع : يُدير »

ترجمه : آیا می دانی که طول قد زرافه ۶ متر است و می تواند بی آنکه سرش را بچرخاند پشتش را ببیند؟! ✦

۲- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ الْكَلْبَ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِ صَوْتِ السَّاعَةِ مِنْ مَسَافَةِ أَرْبَعِينَ قَدَمًا؟

✦ سَمَاع : شنیدن = سَمِعَ

ترجمه : آیا می دانی که سگ می تواند صدای ساعت را از فاصله ۴۰ قدمی بشنود؟

۳- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ عَدَدَ أَنْوَاعِ الْأَسْمَاكِ يَزِيدُ عَن خَمْسَةِ وَ عَشْرِينَ أَلْفَ نَوْعٍ؟

✦ يَزِيدُ عَن : بیش از ... است

ترجمه : آیا می دانی که تعداد انواع ماهی ها بیش از ۲۵ هزار نوع است؟

۴- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ النَّمْلَةَ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً؟

✦ مَمْلَةٌ : مورچه / يَفُوقُ : بالاتر است از

ترجمه : آیا می دانی که مورچه می تواند چیزی که ۵۰ برابر بیشتر از وزنش است را حمل کند؟

۵- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ ثَمَانِينَ بِالْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشْرَاتٌ؟

ترجمه : آیا می دانی که هشتاد درصد از موجودات جهان حشرات هستند؟



النَّشَاطُ اللَّغَوِيُّ ص ۱۶



بازگشت به فهرست

اُكْتُبِ اسْمَ كُلِّ مِهْنَةٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ تَحْتَ صَوْرَتِهَا الْمُنَاسِبَةِ .





درسنامه درس عربی زبان قرآن (۱) پایه " دهم فنی و حرفه ای و کاردانش " ۱۴۰۰ دروس ۴-۱ محمد باقر بهروزی

صانعة التماثيل : بيكر تراش ( مجسمه ساز )



مصلح السيارات : مکانیک

بيطرية : دامپزشک



طباخة : آشپز

فلاحة : کشاورز



تفني الحاسوب : تكنيسين كامپيوتر



مهندس العمارة : مهندس ساختمان / مصلح الآتايب (سباك) : لوله کش / مصلح الأجهزة المنزلية : تعمیرکاروسایل خانگی



عامل المطبعة : کارگر چاپخانه



مصورة : عکاس



محاسبة : حسابدار

بازگشت به درس ۲

پایان درس دوم

برو به پایان

بازگشت به فهرست

" متن و ترجمه " درس ۳ عربی زبان قرآن (۱) فنی و حرفه ای و کاردانش





خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)



الدَّرْسُ الثَّلَاثُ : درس سوم ص ۱۸

بازگشت به فهرست پرو به پایان قیمه العمل : ارزش کار

عَزَوَات : جنگ ها « مفرد : غَزْوَة » عِنْدَمَا رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ مِنْ إِحْدَى الْعَزَوَاتِ،

وَقَتِي كَهَ بِيَامِرِ خُدا (ص) از یکی از جنگ ها برگشت ،

اِسْتَقْبَلَهُ اَصْحَابُهُ بِاسْمِ « سَعْدِ الْاَنْصَارِيِّ » ، اِسْتَقْبَلُ : به پیشواز رفت « مضارع : يَسْتَقْبِلُ »

یکی از یارانش بنام « سعد انصاری » به پیشواز او رفت (از او استقبال کرد) ،

فَصَافِحَهُ النَّبِيُّ وَوَجَدَ يَدَهُ خَشَنَةً ؛ صَافِحُ : دست داد « مضارع : يُصَافِحُ »

پس پیامبر (ص) با او دست داد و دستش را زبر و خشن یافت (دید) ؛

ثُمَّ سَأَلَهُ :

سپس از او پرسید :

لِمَاذَا يَدُكَ هَكَذَا؟

چرا دستت اینچنین است؟

اُجَابَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، اَسْتَعْمَلْتُ فِي الْمَرْعَةِ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى اللَّيْلِ لِنَفَقَةِ عِيَالِي . حَتَّى : تا = إلى

پاسخ داد : ای پیامبر خدا ، از صبح تا شب در مزرعه برای خرجی (هزینه) خانواده ام کار می کنم .

فَقَبَّلَ رَسُولُ اللَّهِ يَدَهُ وَقَالَ : قَبَّلَ : بوسید « مضارع : يَقْبَلُ »

پیامبر خدا (ص) دستش را بوسید و فرمود :

« هَذِهِ يَدٌ لَا مَسَّهَا النَّارُ اَبَدًا. »

لا مَسَّ : لمس نمی کند « ماضی : مَسَّ »

این دستی است که هرگز آتش (جهنم) آنرا لمس نمی کند (به آن نمی رسد).

تاریخ بغداد ، الْجِلْدُ السَّابِعُ ، اَلصَّفْحَةُ ۳۵۳ بَتَصْرُفِ



" الْمُعْجَم " ص ۱۹

بازگشت به فهرست



اِسْتَقْبَلُ : به پیشواز رفت « مضارع : يَسْتَقْبِلُ »	عَزَوَات : جنگ ها « مفرد : غَزْوَة »
حَتَّى : تا = إلى	قَبَّلَ : بوسید « مضارع : يَقْبَلُ »
صَافِحُ : دست داد « مضارع : يُصَافِحُ »	لا مَسَّ : لمس نمی کند « ماضی : مَسَّ »



♦ ♦ ♦ ♦ ♦ ♦  
" حول النص " ص ۲۰

بازگشت به فهرست

۱) أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ إِجَابَةً قَصِيرَةً.

(۱) مَتَى اسْتَقْبَلَ الصَّحَابِيُّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) ؟

ترجمه : چه وقت صحابه به پیشواز پیامبر خدا (ص) رفت؟

پاسخ : اسْتَقْبَلَهُ عِنْدَمَا رَجَعَ مِنْ إِحْدَى الْعَزَوَاتِ.

(۲) لِمَاذَا كَانَ الصَّحَابِيُّ يَشْتَغَلُ حَتَّى اللَّيْلِ؟

ترجمه : چرا یار پیامبر تا شب کار می کرد؟

پاسخ : يَشْتَغَلُ لِنَفَقَةِ عِيَالِهِ.

(۳) كَيْفَ كَانَ ظَاهِرُ يَدِ الصَّحَابِيِّ؟

ترجمه : ظاهر دست یار پیامبر چگونه بود؟

پاسخ : كَانَ ظَاهِرُ يَدِهِ خَشَنَةً.

(۴) مَنْ سَأَلَ : « لِمَاذَا يَدُكَ هَكَذَا؟ »

ترجمه : چه کسی پرسید : چرا دستت اینچنین است؟

پاسخ : النَّبِيُّ (رَسُولُ اللَّهِ) .

(۵) مَا اسْمُ الصَّحَابِيِّ فِي الْقِصَّةِ؟

ترجمه : نام یار پیامبر در داستان چیست؟

پاسخ : سَعْدُ الْأَنْصَارِيِّ .

(۶) أَيْنَ كَانَ الصَّحَابِيُّ يَشْتَغَلُ؟

ترجمه : یار پیامبر کجا کار می کرد؟

پاسخ : كَانَ يَشْتَغَلُ فِي الْمَرْعَةِ.



« وَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ »

به راستی که تو آخلاق بزرگ و برجسته‌ای داری.

♦ ♦ ♦ ♦ ♦ ♦

" اَعْلَمُوا " ص ۲۱

♦ ♦ ♦ ♦ ♦ ♦

الْمَاضِي وَ الْمَضَارِعُ وَ الْمَصْدَرُ (۱)

بازگشت به فهرست

بیشتر فعل های «ماضی سوم شخص مفرد» که با آن آشنا شده اید، از سه حرف اصلی تشکیل می شدند ؛ مانند خَرَجَ ، عَرَفَ ، قَطَعَ و شَكَرَ .

«ماضی سوم شخص مفرد» برخی فعل ها بیشتر از سه حرف است ؛ مانند اسْتَخْرَجَ ، اعْتَرَفَ ، انْقَطَعَ و تَشَكَّرَ .

اکنون با فعل هایی آشنا شوید که « ماضی سوم شخص مفرد » آنها علاوه بر سه حرف اصلی، حرف یا حروف بیشتری دارد. وزن فعل ها و مصدرهای جدول زیر را حفظ کنید.

مصدر	مضارع	ماضی
اسْتَفْعَال	يَسْتَفْعَلُ	اسْتَفْعَلَّ
اِفْتَعَال	يَفْتَعَلُ	اِفْتَعَلَ
انْفَعَال	يَنْفَعَلُ	انْفَعَلَ



تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَ
-----------	-------------	-----------

مثال:

ماضی	مضارع	مصدر
اسْتَرْجَعُ : پس گرفت	يَسْتَرْجِعُ : پس می گیرد	اسْتَرْجَاعُ : پس گرفتن
اسْتَشْغَلَ : کار کرد	يَسْتَشْغَلُ : کار می کند	اسْتِشْغَالُ : کار کردن
انْفَتَحَ : باز شد	يَنْفَتِحُ : باز می شود	انْفِتَاحُ : باز شدن
تَخْرَجُ : دانش آموخته شد	يَخْرُجُ : دانش آموخته می شود	تَخْرُجُ : دانش آموخته شدن

آنچه در یادگیری فعل ها مهم است شناسه ها هستند که در سه سال گذشته با آنها آشنا شده اید.

یادآوری فعل ماضی که در پایه هفتم خواندید:

« ت » در « فَعَلْتُ » ( انجام دادم ) مانند : اسْتَخْرَجْتُ	اِكْتَسَبْتُ	اِنْسَحَبْتُ	تَعَلَّمْتُ
« ت » در « فَعَلْتِ » ( انجام دادی ) مانند : اسْتَخْرَجْتِ	اِكْتَسَبْتِ	اِنْسَحَبْتِ	تَعَلَّمْتِ
« - » در « فَعَلَ » ( انجام داد ) مانند : اسْتَخْرَجَ	اِكْتَسَبَ	اِنْسَحَبَ	تَعَلَّمَ
« نا » در « فَعَلْنَا » ( انجام دادیم ) مانند : اسْتَخْرَجْنَا	اِكْتَسَبْنَا	اِنْسَحَبْنَا	تَعَلَّمْنَا
« نُم » در « فَعَلْتُمْ » ( انجام دادید ) مانند : اسْتَخْرَجْتُمْ	اِكْتَسَبْتُمْ	اِنْسَحَبْتُمْ	تَعَلَّمْتُمْ
« وا » در « فَعَلُوا » ( انجام دادم ) مانند : اسْتَخْرَجُوا	اِكْتَسَبُوا	اِنْسَحَبُوا	تَعَلَّمُوا

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

اشْتَعَلَ : کار کرد	اشْتَعَلُوا : کار کردند.
تَعَلَّمَ : یاد گرفت	تَعَلَّمْتُمْ : یاد گرفتید.
انْقَطَعَ : بریده شد	انْقَطَعْتُ : بریده شد.
اسْتَغْفَرَ : آمرزش خواست	اسْتَغْفَرْنَا : آمرزش خواستیم.

یادآوری فعل مضارع که در پایه هشتم خواندید:

« ا » در « أَفْعَلُ » ( انجام می دهم ) مانند : اسْتَخْرَجُ	اِكْتَسِبُ	اِنْسَحِبُ	اَتَعَلَّمُ
« ت » در « تَفْعَلُ » ( انجام می دهی ) مانند : تَسْتَخْرَجُ	تِكْتَسِبُ	تِنْسَحِبُ	تَتَعَلَّمُ
« ی » در « يَفْعَلُ » ( انجام می دهد ) مانند : يَسْتَخْرَجُ	يِكْتَسِبُ	يِنْسَحِبُ	يَتَعَلَّمُ
« ن » در « نَفْعَلُ » ( انجام می دهیم ) مانند : نَسْتَخْرَجُ	نِكْتَسِبُ	نِنْسَحِبُ	نَتَعَلَّمُ

« ت » + « ریشه + » « و ن » در « تَفْعَلُونَ » ( انجام می دهید ) مانند:

تَسْتَخْرِجُونَ	تِكْتَسِبُونَ	تِنْسَحِبُونَ	تَتَعَلَّمُونَ
-----------------	---------------	---------------	----------------

« پ » + « ریشه + » « و ن » در « يَفْعَلُونَ » ( انجام می دهند ) مانند:

يَسْتَخْرِجُونَ	يِكْتَسِبُونَ	يِنْسَحِبُونَ	يَتَعَلَّمُونَ
-----------------	---------------	---------------	----------------

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

يَبْتَسِمُ : لبخند می زند	يَبْتَسِمُونَ : لبخند می زنند
يَتَكَلَّمُ : سخن می گوید	يَتَكَلَّمُونَ : سخن می گویند
يَنْسَحِبُ : عقب نشینی می کند	يَنْسَحِبُونَ : عقب نشینی می کنید
يَتَعَلَّمُ : یاد می گیرد	يَتَعَلَّمُونَ : یاد می گیرند



" تمرین ۱ " ص ۲۳



الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ : تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ. بازگشت به فهرست

باب	ماضي	مضارع	مصدر
استفعال	اسْتَغْفَرَ: آموزش خواست	يَسْتَغْفِرُ: آموزش می خواهد	اسْتِغْفَارُ: آموزش خواستن
افتعال	اعْتَذَرَ: عذرخواهی کرد	يَعْتَذِرُ: عذرخواهی می کند	اعْتِذَارُ: عذرخواهی کردن
انفعال	انْسَحَبَ: عقب نشینی کرد	يَنْسَحِبُ: عقب نشینی می کند	انْسِحَابُ: عقب نشینی کردن
تَفَعَّلَ	تَكَلَّمَ: سخن گفت	يَتَكَلَّمُ: سخن می گوید	تَكَلُّمٌ: سخن گفتن



" تمرین ۲ " ص ۲۴



الْتَمَرِينُ الثَّانِي : اقْرَأِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ قِرَاءَةً صَحِيحَةً ، وَ ضَعْ الْعَلَامَاتِ. بازگشت به فهرست

باب	ماضي	مضارع	مصدر
استفعال	اسْتَكْبَرَ: سرکشی کرد	يَسْتَكْبِرُ: سرکشی می کند	اسْتِكْبَارُ: سرکشی کردن
افتعال	افْتَخَرَ: افتخار کرد	يَفْتَخِرُ: افتخار می کند	افْتِخَارُ: افتخار کردن
انفعال	انْهَدَمَ: ویران شد	يَنْهَدِمُ: ویران می شود	انْهَادٌ: ویران شدن
تَفَعَّلَ	تَصَوَّرَ: تصویر سازی کرد	يَتَصَوَّرُ: تصویر سازی می کند	تَصَوُّرٌ: تصویر سازی کردن
استفعال	اسْتَضَعَفَ: به ضعف کشانید	يَسْتَضَعِفُ: به ضعف می کشاند	اسْتِضْعَافٌ: به ضعف کشانیدن
افتعال	اعْتَرَفَ: اعتراف کرد	يَعْتَرِفُ: اعتراف می کند	اعْتِرَافٌ: اعتراف کردن
انفعال	انْصَرَفَ: روی برگرداند	يَنْصَرِفُ: روی برمی گرداند	انْصِرَافٌ: روی برگرداندن
تَفَعَّلَ	تَعَمَّدَ: تکیه کرد	يَتَعَمَّدُ: تکیه می کند	تَعَمُّدٌ: تکیه کردن



" حوار " ص ۲۵



بازگشت به فهرست

حوار في قسم الجوازات  
گفتگو در بخش گذرنامه

المُسَافِرُ: مسافر	شُرْطِي إِدَارَةَ الْجَوَازَاتِ: پلیس اداره گذرنامه
نَحْنُ مِنْ إِيرَانَ. مَا مِنْ إِيرَانَ هَسْتِيمِ.	أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟ خُوش آمَدِيدِ. شَمَا مِنْ كَدَامِ كِشُورِ هَسْتِيدِ؟
أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي. مَتَشَكَّرُ أَقَا	مَرْحَبًا بِكُمْ. شَرَفْتُمُونَا. خُوش آمَدِيدِ. مَا رَا مَشْرَفَ فَرْمُودِيدِ (بِهَ مَا افْتِخَارَ دَادِيدِ)
أَحِبُّ هَذِهِ اللُّغَةَ. إِينَ زَبَانَ رَا دُوسْتِ دَارِمِ.	تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا! عَرَبِي خُوبِ صَحْبَتِ مِي كُنِي!
سَتَّة. شَشِ نَفَرِ	كَمْ عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ؟ تَعْدَادُ هَمْرَاهَانِ چِنْدِ نَفَرِنْدِ؟
نَعَمْ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مِّنَّا بِطَاقَتِهِ يِيَدِهِ.	هَلْ عِنْدَكُمْ بِطَاقَاتُ الدُّخُولِ؟
بَلِه؛ هَرِيكُ مِنْ مَّا بَلِيَّتْشِ دَرِ دَسْتَشِ اسْتِ.	أَيَا بَلِيطِ هَايِ وَرُودِ دَارِيدِ؟
عَلَى عَيْنِي.	الرِّجَالُ عَلَى الْيَمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْيَسَارِ.
بِهَ رُويِ چِشْمِ	مَرْدَانِ دَرِ سَمْتِ رَاسْتِ وَ زَنَانِ دَرِ سَمْتِ چِپِ.
نَحْنُ جَاهِزُونَ.	رَجَاءُ؛ اجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيِّدِيكُمْ:
مَا آمَادِهَ اِيْمِ.	لَطْفًا، كُذْرِنَامِهَ هَايْتَانِ رَا دَرِ دَسْتَانْتَانِ قَرَارِدهِيدِ.



جَوَازُ ، جَوَازُ السَّفَرِ : كُذْرِنَامِهَ (جَمْعُ : جَوَازَاتِ) مَرْحَبًا بِكُمْ = أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ : خُوش آمَدِيدِ  
مُرَافِقٍ : هَمْرَاهِ  
بِطَاقَةٌ : كَارْتِ ، بَلِيَّتِ (جَمْعُ : بِطَاقَاتِ)  
جَاهِزٌ : آمَادِهَ  
شَرَفْتُمْ : مَا رَا مَشْرَفَ فَرْمُودِيدِ





قِسْمُ الْجَوَازَاتِ فِي الْمَطَارِ : بخش گذرنامه در فرودگاه

✦ ✦ ✦ ✦ ✦ ✦

" تمرین ۱ " ص ۲۶

✦ ✦ ✦ ✦ ✦ ✦

بازگشت به فهرست

الْأَوَّلُ : عَيْنُ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ . [X] [X]

۱- « أَلْبِطَاقَةُ » وَرَقَّةٌ صَغِيرَةٌ عَلَيْهَا مَعْلُومَاتٌ ، أَوْ وَرَقَةٌ قِيمَةٌ. [X] صحیح  
ترجمه : بلیط برگه ای کوچک است که بر روی آن اطلاعاتی است ، یا برگه ای با ارزش است.

۲- شُرْطِي إِدَارَةِ الْجَوَازَاتِ يُشَاهِدُ بِطَاقَاتِ الدُّخُولِ. [X] صحیح  
ترجمه : مأمور (پلیس) اداره ی گذرنامه بلیط های ورود را مشاهده می کند.

۳- جَمِيعُ بِطَاقَاتِ الدُّخُولِ فِي يَدِ مُدِيرِ الْقَافِلَةِ. [X] غلط  
ترجمه : تمام بلیط های ورود در دست مدیر کاروان است.

۴- عِنْدَ مُشَاهَدَةِ السِّيَاحِ نُحِبُّ بِهِمْ. [X] صحیح  
ترجمه : هنگام مشاهده جهانگردان به آنها خوش آمد می گوئیم.

۵- لَيْسَتْ فِي الْمَطَارِ إِدَارَةُ الْجَوَازَاتِ. [X] غلط  
ترجمه : در فرودگاه اداره گذرنامه نیست.

✦ ✦ ✦ ✦ ✦ ✦

" تمرین ۲ " ص ۲۶

✦ ✦ ✦ ✦ ✦ ✦

الْثَّانِي : تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ ؛ ثُمَّ عَيْنِ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ . بازگشت به فهرست

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : إِنَّ مِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوبًا لَا يَكْفُرُهَا صَلَاةٌ وَلَا صَدَقَةٌ ؛ قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ؛ فَمَا يَكْفُرُهَا ؟ قَالَ : الْهُمُومُ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ . [ جَمْعُ الرَّسُولِ : ..... وَ جَمْعُ الصَّدَقَةِ : ..... ]

✦ شرح مفردات : يُكْفِرُ الذَّنْبَ : گناه را می بخشد هُمُوم : اندوه ها « مفرد : هَمَّ »  
پاسخ : [ جَمْعُ الرَّسُولِ : رُسُلٌ - وَ جَمْعُ الصَّدَقَةِ : صَدَقَاتٌ ]

ترجمه : رسول خدا فرمود : از میان گناهان ، گناهانی هستند که نماز و نه صدقه باعث بخشش آنها نمی شوند. گفته شد : ای رسول خدا پس چه چیز آنها را می پوشاند؟ فرمود: اندوه ها در طلب روزی .

۲- اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ (ع) { صَمِيرِينَ }  
پاسخ : { صَمِيرِينَ : ي - ك } حَزَنٌ : اندوه = حزن

ترجمه : خدایا همانا از غم و اندوه و ناتوانی و تنبلی به تو پناه می برم.

۳- عَلَيْكُمْ بِحَسَنِ الْخَطِّ فَإِنَّهُ مِنْ مَفَاتِيحِ الرِّزْقِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص) { مُتَضَادُّ السَّوِّءِ }  
پاسخ : { مُتَضَادُّ السَّوِّءِ : الْحَسَنِ } حَسَنُ الْخَطِّ : خوش خطی ≠ سوء الْخَطِّ

ترجمه : شما باید خوش خط باشید پس همانا آن از کلید (در) های رزق و روزی است.

۴- إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ. الْإِمَامُ عَلِيٌّ (ع) { ضَمِيرِ }

**پاسخ:** { ضمیر : مُم } **بقاع:** قطعه های زمین « مفرد : بُقعة » - **بهائم:** چارپایان ( به جز درندگان ) « مفرد : بهیمة »  
**ترجمه:** همانا شما در برابر چهارپایان و قطعه های زمین تان مسوول هستید. ( مورد سوال واقع می شوید).  
 ۵- إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ. أمير المؤمنين علي (ع) { وَزْنَ الْجَمِيلِ وَ الْجَمَالَ }  
**پاسخ:** { وزن جمیل : فَعِيل - وزن جمال : فَعَال }  
**ترجمه:** همانا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد.

✦ ✦ ✦ ✦ ✦ ✦

" تمرین ۳ " ص ۲۷

✦ ✦ ✦ ✦ ✦ ✦

**الَّتَمْرَيْنِ الثَّلَاثِ:** اُكْتُبْ مَفْرَدَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. **بازگشت** به فهرست  
**ذُنُوبٌ:** ذَنْبٌ (گناه) **هُمُومٌ:** هَمٌّ (اندوه) **مَفَاتِيحٌ:** مِفْتَاحٌ (کلید) **بَطَاقَاتٌ:** بَطَاقَةٌ (کارت ، بلیط)  
**بِقَاعٍ:** بُقْعَةٌ (قطعه زمین) **بِهَائِمٍ:** بَهِيمَةٌ (چارپا) **سِيَّاحٌ:** سَائِحٌ (جهانگرد) **أَصْحَابٌ:** صَاحِبٌ (یار)

✦ ✦ ✦ ✦ ✦ ✦

" تمرین ۴ " ص ۲۷

✦ ✦ ✦ ✦ ✦ ✦

**الَّتَمْرَيْنِ الرَّابِعُ:** اِنتَخِبْ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ. **بازگشت** به فهرست  
 ۱- أَوْرَاقٌ تُعْطِيهَا الْحُكُومَةُ لِإثْبَاتِ الْهُوِيَّةِ عِنْدَ السَّفَرِ إِلَى الْخَارِجِ. **النَّقُودُ:** پُول  **الْصُّورُ:** عَكْسٌ هَا  **الْجَوَازُ:** كُذْرَانِمَه   
**ترجمه:** برگه هایی که دولت آن را برای اثبات هویت هنگام سفر به خارج می دهد.  
 ۲- رُجُوعُ الْجَيْشِ عَنْ مَوْقِعِهِ إِلَى الْوَرَاءِ فِي الْحَرْبِ. **الْإِنْسِحَابُ:** عَقِبٌ نَشِينِي  **الْكَسَلُ:** تَبَلِي  **الْحَزَنُ:** اِنْدُوه   
**ترجمه:** برگشتن لشکر از موقعیتش به عقب در جنگ.  
 ۳- الَّذِي يَكُونُ مَعَكَ فِي طَرِيقٍ أَوْ سَفَرَةٍ. **الْجَاهِزُ:** آمَادَه  **الْمُرَافِقُ:** هِمْرَاه  **الشَّرْطِيُّ:** پِلِيس   
**ترجمه:** کسی که با تو در راه یا سفر می باشد.  
 ۴- حَيَوَانَاتٌ أَهْلِيَّةٌ كَالْبَقَرِ وَالْفَرَسِ. **الطَّيُورُ:** پَرِنْدگان  **الْبِهَائِمُ:** چَارپایان  **الْأَسْمَاكُ:** مَاهِي هَا   
**ترجمه:** حیواناتی اهلی مثل گاو و اسب.  
 ۵- قِطْعَةٌ مِنَ الْأَرْضِ. **الْنَّفَقَةُ:** هَزِينَه  **الْعَزْوَةُ:** جِنْگ  **الْبُقْعَةُ:** قِطْعَه زَمِين   
**ترجمه:** قطعه ای از زمین.

✦ ✦ ✦ ✦ ✦ ✦

" تمرین ۵ " ص ۲۷

✦ ✦ ✦ ✦ ✦ ✦

**الَّتَمْرَيْنِ الْخَامِسُ:** اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. **بازگشت** به فهرست

باب	ماضي	مضارع	مصدر
افتعال	اِبْتَسَمَ : لبخند زد	يَبْتَسِمُ : لبخند می زند	اِبْتِسَامٌ : لبخند زدن
انفعال	اِنْقَطَعَ : بریده شد	يَنْقَطِعُ : بریده می شود	اِنْقِطَاعٌ : بریده شدن
استفعل	اسْتَخْرَجَ : خارج کرد	يَسْتَخْرِجُ : خارج می کند	اسْتِخْرَاجٌ : خارج کردن
تَفَعَّلَ	تَكَلَّمَ : سخن گفت	يَتَكَلَّمُ : سخن می گوید	تَكَلُّمٌ : سخن گفتن
افتعال	اِحْتَفَلَ : جشن گرفت	يَحْتَفِلُ : جشن می گیرد	اِحْتِفَالٌ : جشن گرفتن
انفعال	انْكَسَرَ : شکسته شد	يَنْكَسِرُ : شکسته می شود	اِنْكَسَارٌ : شکست ته شدن
استفعل	اسْتَخْدَمَ : به کارگرفت	يَسْتَخْدِمُ : به کار می گیرد	اسْتِخْدَامٌ : به کارگرفتن
تَفَعَّلَ	تَخَرَّجَ : دانش آموخته شد	يَتَخَرَّجُ : دانش آموخته می شود	تَخَرُّجٌ : دانش آموخته شدن

\*\*\*  
 البَحْثُ الْعِلْمِيُّ " ص ۲۸  
 \*\*\*

الْتَّمَرِينُ السَّادِسُ : اِبْحَثْ عَنْ اَسْمَاءِ هَذِهِ الْمِهْنِ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي مَعْجَمِ فَارِسِيَّ عَرَبِيَّ.

[www.almaany.com/ar/dict/fa-ar/](http://www.almaany.com/ar/dict/fa-ar/)



قَنَان



نَحَال ، مَرِي النَحْل



موسيقار ، عَزَاف



صَبَاغ



مُتَخَرِّج



حَدَّاء ، صَانِعُ الْأَحْذِيَّةِ، إِسْكَافِي



مُنْتَجُ الْأَفْلامِ



كَهْرِبَائِي



التَّقْنِي



سَمَاك



صَانِعُ الذَّهَبِ



خَرَّاطُ الْحَدِيدِ

\*\*\*

بازگشت به فهرست

پرو به پایان

پایان درس سوم

\*\*\*

" متن و ترجمه " درس ۴ عربی زبان قرآن (۱) فنی و حرفه ای و کاردانش

\*\*\*



شَلَالِ سَمِيرُمُ فِي مُحَافَظَةِ إِصْفَهَانَ



كَهْفُ عَلِيٍّ صَدْرٍ فِي مُحَافَظَةِ هَمْدَانَ



بَحِيرَةُ سَمِيرَهَ فِي مُحَافَظَةِ إِيلَامِ



قَرْيَةُ زَرَّينِ كَلَا فِي مُحَافَظَةِ مازندران



عَيْنُ رَامِيانِ فِي مُحَافَظَةِ جَلِسْتَانَ



مَنْطَقَةُ دَلْفَارْدُ فِي مُحَافَظَةِ كَرْمَانَ





﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾ الْعَنْكَبُوتُ : ۲۰

سیروا: حرکت کنید « ماضی: سار / مضارع: یسیر

بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه [خداوند] آفرینش را آغاز کرد؟



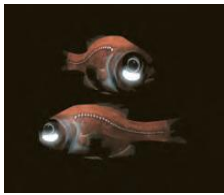
الْدَّرْسُ الرَّابِعُ : درس چهارم ص ۳۰

﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾ لقمان ۱۱ : این آفرینش (خلقت) خداست. بازگشت به فهرست پرو به پایان

﴿فِي أَعْمَاقِ الْبَحْرِ أَسْمَاكٌ مُضِيئَةٌ أَضْوَأُهَا مِنْ نَوْعِ مِنَ الْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عِيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ﴾

مُضِيئَةٌ: نورانی / أَضْوَأُهَا: نورهایشان، « أَضْوَاءٌ + ها؛ مفرد: ضَوْءٌ »

در اعماق دریا، ماهیانی نورانی وجود دارد که نورشان از نوعی باکتری درخشان است که زیر چشمان آن ماهیان زندگی می کند.



﴿إِنَّ بَعْضَ الطَّيُورِ وَالْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بَغْرِيزَتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّيِّبَةَ﴾

أَعْشَابٌ: گیاهان « مفرد: عَشْبٌ / الْأَعْشَابُ الطَّيِّبَةُ: گیاهان دارویی « مفرد: عَشْبٌ طَيِّبٌ »

بی گمان بعضی از پرنده ها و حیوانات با غریزه شان گیاهان دارویی را می شناسند

وَ تَعْلَمُ كَيْفَ تَسْتَعْمَلُ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ لِلْوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ؛

وَقَايَةٌ: پیشگیری

و می دانند چگونه گیاه مناسب را برای پیشگیری از بیماری های مختلف بکار برند؛

وَ قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّيِّبَةِ لِهَذِهِ الْأَعْشَابِ.

دَلٌّ: راهنمایی کرد « مضارع: يَدُلُّ »

و این حیوانات انسان را به خواص دارویی این گیاهان راهنمایی کرده اند.



﴿إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاقِهَا لِلْعَةِ خَاصَّةً بِهَا، مَمْلُوكٌ لِعَةِ عَامَّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلَالِهَا أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا،﴾

إِضَافَةٌ إِلَى: افزون بر / امْتِلاَقٌ: مالکیت، دَاشْتَنُ / مَمْلُوكٌ: مالک می شود، فرمانروایی می کند « ماضی: مَمَّلَكَ / مضارع: يَمْلِكُ / مِنْ خِلَالِهَا: در

میان آن / مَعَ بَعْضٍ: با یکدیگر / اسْتَطَاعَ: توانست « مضارع: يَسْتَطِيعُ » = قَدَّرَ

بی گمان بیشتر حیوانات علاوه بر داشتن زبانی مخصوص به خود؛ زبانی عمومی دارند که با آن می توانند یکدیگر را بفهمند،

فَلِلْغُرَابِ صَوْتٌ يُحَدِّرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعدَ سَرِيعاً عَنِ مَنطِقَةِ الْخَطَرِ.

حَتَّى تَبْتَعدَ: تا دور شود « ماضی: ابْتَعَدَ / مضارع: يَبْتَعدُ »

کلاغ صدایی دارد که با آن به بقیه حیوانات هشدار می دهد تا به سرعت از منطقه خطر دور شوند.



﴿تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحْرَكَ رَأْسُهَا، وَ هِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي اتِّجَاهَيْنِ فِي وَقتٍ وَاحِدٍ.﴾

✳ **حَرْبَاءُ** : آفتاب پرست / **أَنْ تُدِيرَ** : که بچرخاند ، آدار : چرخاند ، اداره کرد / **اتِّجَاهَات** : جهت ها « مفرد : اتِّجَاه » / **أَنْ تُحَرِّكَ** : که حرکت بدهد ، ماضی : **حَرَكٌ** ، مضارع : **يُحَرِّكُ** ، **دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ** : بی آنکه حرکت بدهد / **أَنْ تُرَى** : که ببیند

آفتاب پرست می تواند چشمانش را در جهت های مختلف بچرخاند بی آنکه سرش را تکان دهد و آن می تواند همزمان در دو جهت ببیند.



﴿ لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ ، وَلَكِنَّهَا نَعَوْضٌ هَذَا النَّفْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ جِهَةٍ ، وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا مِثَّتَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَرَجَةً دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ جِسْمَهَا. ﴾

✳ **لَا تَتَحَرَّكُ** : حرکت نمی کند ، ماضی : **تَحَرَّكَ** ؛ مضارع : **يَتَحَرَّكُ** / **بُومٌ** ، **بُومَةٌ** : جغد / **نَعَوْضٌ** : جبران می کند ، ماضی : **عَوَّضَ** ؛ مضارع : **يُعَوِّضُ** چشم جغد حرکت نمی کند ، پس آن ثابت است ، اما او این نقص را با حرکت دادن سرش در هر جهتی جبران می کند و می تواند سرش را ۲۷۰ درجه بچرخاند بی آنکه بدنش را حرکت دهد.



بازگشت به فهرست

✳ ✳ ✳ ✳ ✳ ✳

" الْمُعْجَم " ص ۳۲

✳ ✳ ✳ ✳ ✳ ✳

سیروا : حرکت کنید « ماضی : سَارَ / مضارع : يَسِيرُ گهف : غَار	بَحِيرَةٌ : دریاچه بُومٌ ، بُومَةٌ : جغد	اتِّجَاهَاتٌ : جهت ها « مفرد : اتِّجَاه » اسْتِطَاعٌ : توانست « مضارع : يَسْتَطِيعُ » = قَدْرٌ
لَا تَتَحَرَّكُ : حرکت نمی کند ، ماضی : <b>تَحَرَّكَ</b> ؛ مضارع : <b>يَتَحَرَّكُ</b> ؛ مَعْبُوضٌ : با یکدیگر	نَعَوْضٌ : جبران می کند ، ماضی : <b>عَوَّضَ</b> ؛ مضارع : <b>يُعَوِّضُ</b>	إِضَافَةٌ إِلَى : افزون بر
مَضِيءٌ : نورانی	مَمْلُوكٌ : مالک می شود، فرمانروایی می کند « ماضی : <b>مَلَكَ</b> / مضارع : <b>يَمْلِكُ</b> »	أضوؤها : نورهایشان ، « أضواءٌ + ها ؛ مفرد : ضَوْءٌ »
	حَتَّى تَبْتَدِعَ : تا دور شود « ماضی : <b>ابْتَدَعَ</b> / مضارع : <b>يَبْتَدِعُ</b> »	أعشاب : گیاهان « مفرد : <b>عُشْبٌ</b> / الأعشاب الطَّيِّبَةُ : گیاهان دارویی « مفرد : <b>عُشْبٌ طَيِّبٌ</b> »
من خلالها : در میان آن وقایة : پیشگیری	حَرْبَاءُ : آفتاب پرست دَلٌّ : راهنمایی کرد « مضارع : <b>يَدُلُّ</b> »	امتلاك : مالکیت، داشت أَنْ تُحَرِّكَ : که حرکت بدهد ، ماضی : <b>حَرَكٌ</b> ، مضارع : <b>يُحَرِّكُ</b> ، <b>دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ</b> : بی آنکه حرکت بدهد

✳ ✳ ✳ ✳ ✳ ✳

" درک مطلب " ص ۳۲

✳ ✳ ✳ ✳ ✳ ✳

﴿ عَيْنُ الْجُمَلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ . ﴾ [X] [X] بازگشت به فهرست

(۱) بَعْضُ الْحَيَوَانَاتِ وَ الطَّيُورِ تَدُلُّ الْإِنْسَانَ عَلَى الْأَعْشَابِ الطَّيِّبَةِ. [X] صحیح  
بعضی از حیوانات و پرندگان انسان را به گیاهان دارویی راهنمایی می کنند.

(۲) لِلزَّرَافَةِ صَوْتُ يُحَدِّرُ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَدِعَ عَنِ الْخَطَرِ. [X] غلط  
زرافه صدایی دارد که به بقیه حیوانات هشدار می دهد تا از خطر دور شوند.

(۳) تَسْتَطِيعُ الْحَرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ. [X] غلط  
آفتاب پرست می تواند چشمانش را در یک جهت بچرخاند.

(۴) تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيئَةُ قَرِيبَةً مِنْ سَطْحِ الْبَحْرِ. [X] غلط  
ماهی های نورانی نزدیک سطح دریا زندگی می کنند.



- (۵) لَا تَعِيشُ حَيَوَانَاتٌ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْبَحْرِ. ❌ غلط  
 حیواناتی آبی در اعماق دریا زندگی نمی کنند.  
 (۶) يَتَحَرَّكُ رَأْسُ الْبُومَةِ فِي أَتْجَاهٍ وَاحِدٍ. ❌ غلط  
 سر جغد در یک جهت حرکت می کند.



الْمَاضِي وَ الْمَضَارِعُ وَ الْمَصْدَرُ (۲) بازگشت به فهرست

در درس سوم با چند فعل ، که « ماضی سوم شخص مفرد » آنها بیش از سه حرف است ، آشنا شدید.  
 اکنون با چند فعل دیگر آشنا شوید:

خَرَجَ عَرَفَ دَرَسَ كَتَبَ

أَخْرَجَ تَعَارَفَ دَرَسَ كَاتَبَ

وزن فعل ها و مصدرهای جدول زیر را حفظ کنید.

مصدر	مضارع	ماضي
تَفَاعَلُ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلُ
تَفْعِيلُ	يُفَعِّلُ	فَعَّلَ
مُفَاعَلَةٌ	يُفَاعَلُ	فَاعَلَ
إِفْعَالٌ	يُفَعِّلُ	أَفْعَلَ

مثال:

مصدر	مضارع	ماضي
تَشَابُهٌ : همانند شدن	يَتَشَابَهُ : همانند می شود	تَشَابَهَ : همانند شد
تَفْرِيحٌ : شاد کردن	يَفْرِحُ : شاد می کند	فَرِحَ : شاد کرد
مُجَالَسَةٌ : همنشینی کردن	يُجَالِسُ : همنشینی می کند	جَالَسَ : همنشینی کرد
إِخْرَاجٌ : بیرون آوردن	يُخْرِجُ : بیرون می آورد	أَخْرَجَ : بیرون آورد

در درس سوم خواندید که آنچه در یادگیری فعل ها مهم است ، شناسه است.

مثال هایی برای یادآوری فعل ماضی که در پایه هفتم خواندید:

- « تٌ » در « فَعَلْتُ » ( انجام دادم ) مانند : تَعَارَفْتُ عِلْمْتُ شَاهَدْتُ أَرْسَلْتُ  
 « تٌ » در « فَعَلْتِ » ( انجام دادی ) مانند : تَعَارَفْتِ عِلْمْتِ شَاهَدْتِ أَرْسَلْتِ  
 « - » « فَعَلَ » ( انجام داد ) مانند : تَعَارَفَ عِلْمَ شَاهَدَ أَرْسَلَ  
 « نَا » در « فَعَلْنَا » ( انجام دادیم ) مانند : تَعَارَفْنَا عِلْمْنَا شَاهَدْنَا أَرْسَلْنَا  
 « نُمْ » در « فَعَلْتُمْ » ( انجام دادید ) مانند : تَعَارَفْتُمْ عِلْمْتُمْ شَاهَدْتُمْ أَرْسَلْتُمْ  
 « وَا » در « فَعَلُوا » ( انجام دادم ) مانند : تَعَارَفُوا عِلْمُوا شَاهَدُوا أَرْسَلُوا

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

- تَصَادَمَ : تصادف کرد      تَصَادَمُوا : تصادف کردند  
 حَرَكَ : حرکت داد      حَرَكْتُمَا : حرکت دادید  
 سَافَرَ : سفر کرد      سَافَرْنَا : سفر کردیم

أَحْسَنَ : نیکی کرد      أَحْسَنْتُمْ : نیکی کردید

یادآوری فعل مضارع که در پایه هشتم خواندید:

« أ » در « أَفْعَلُ » ( انجام می دهد ) مانند : اَتَعَارَفُ اَعْلَمُ اَشَاهِدُ اُرْسَلُ  
 « ت » در « تَفْعَلُ » ( انجام می دهی ) مانند : تَتَعَارَفُ تَعْلَمُ تَشَاهِدُ تُرْسَلُ  
 « ي » در « يَفْعَلُ » ( انجام می دهد ) مانند : يَتَعَارَفُ يَعْلَمُ يَشَاهِدُ يُرْسَلُ  
 « ن » در « نَفْعَلُ » ( انجام می دهیم ) مانند : نَتَعَارَفُ نَعْلَمُ نَشَاهِدُ نُرْسَلُ

« ت » + « ریشه + » « وَن » در « تَفْعَلُونَ » ( انجام می دهید ) مانند:

تَتَعَارَفُونَ تَعْلَمُونَ تَشَاهِدُونَ تُرْسَلُونَ

« ي » + « ریشه + » « وَن » در « يَفْعَلُونَ » ( انجام می دهند ) مانند:

يَتَعَارَفُونَ يَعْلَمُونَ يَشَاهِدُونَ يُرْسَلُونَ

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

يُعَوِّضُ : جبران می کند      يُعَوِّضُونَ : جبران می کنند

يُعَامِلُ : رفتار می کند      يُعَامِلُونَ : رفتاری کنید

يُخْرِجُ : خارج می کند      يُخْرِجُونَ : خارج می کنند

تَبَادَلُ : داد و ستد کرد      تَبَادَلِينَ : داد و ستد می کنی



" تمرین ۱ " ص ۳۵



اخْتَبِرْ نَفْسَكَ : ترجمه الأفعال. بازگشت به فهرست

باب	ماضی	مضارع	مصدر
تَفَاعُلٌ	تَعَامَلٌ : داد و ستد کرد	يَتَعَامَلُ : داد و ستد می کند	تَعَامَلٌ : داد و ستد کردن
تَفْعِيلٌ	لَوْنٌ : رنگ آمیزی کرد	يَلْوِنُ : رنگ آمیزی می کند	تَلْوِينٌ : رنگ آمیزی کردن
مُفَاعَلَةٌ	صَافِحٌ : دست داد	يَصَافِحُ : دست می دهد	مِصَافِحَةٌ : دست دادن
اَفْعَالٌ	اُنْقَذَ : نجات داد	يُنْقِذُ : نجات می دهد	اِنْقَازٌ : نجات دادن



" تمرین ۲ " ص ۳۶



الْتَّمِرِينَ الثَّانِي : اِقْرَأِ الْاَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ قِرَاءَةً صَاحِبَةً ، وَ ضَعِ الْعَلَامَاتِ . بازگشت به فهرست

باب	ماضی	مضارع	مصدر
تَفَاعُلٌ	تَعَارَفَ : آشنا شد	يَتَعَارَفُ : آشنا می شود	تَعَارُفٌ : آشنا شدن
تَفْعِيلٌ	فَتَّشَ : جستجو کرد	يَفْتِشُ : جستجو می کند	تَفْتِيشٌ : جستجو کردن
مُفَاعَلَةٌ	جَاهَدَ : مبارزه کرد	يُجَاهِدُ : مبارزه می کند	مُجَاهَدَةٌ : مبارزه کردن
اَفْعَالٌ	أَحْسَنَ : نیکی کرد	يُحْسِنُ : نیکی می کند	إِحْسَانٌ : نیکی کردن

بازگشت به فهرست

باب	ماضی	مضارع	مصدر
تَفَاعُلٌ	تَقَاعَدَ : بازنشست شد	يَتَقَاعَدُ : بازنشست می شود	تَقَاعُدٌ : بازنشستگی
تَفْعِيلٌ	كَمَّلَ : کامل کرد	يَكْمِلُ : کامل می کند	تَكْمِيلٌ : کامل کردن

مفاعلة	حاوَل : تلاش کرد	يُحاوِل : تلاش می کند	محاوَلَة : تلاش کردن
إفعال	أجلَس : نشاند	يُجلِس : می نشاند	إجلاس : نشاندن

\*\*\*

" حوار " ص ۳۷

\*\*\*

حوار في صالة التفتيش بالجمارك بازگشت به فهرست  
گفتگو در سالن بازرسی گمرک

شُرطي الجمارك : پلیس گمرک	الزائر : زائر
أجلب هذه الحقيبة . این چمدان را بیاور.	على عيني ، ولكن ما هي المشكلة؟ به روی چشم ، اما مشکل چیست؟
تفتيش بسيط . بازرسی ساده	لا بأس . اشکالی ندارد.
لمن هذه الحقيبة؟ این چمدان مال کیست؟	لأسرتي . برای خانواده ام است.
من فضلك ، افتحها . لطفا آن را باز کن.	تفضل ، حقيبتني مفتوحة بفرما ، چمدانم باز شده است.
ما هذا الكتاب؟ این کتاب چیست؟	ليس كتاباً ؛ بل دفتر الذكريات . (الذكريات جمع الذكري ) کتاب نیست بلکه دفتر خاطرات است.
ما هذه الحبوب؟ این قرص ها چیست؟	حبوب مهدئة ، عندي صداع . قرص های آرام بخش است ، سردرد دارم.
هذه ، غير مسموحة . این غیر مجاز است.	ولكن أنا بحاجة إليها جداً . اما من به آنها خیلی نیاز دارم.
لا بأس . اشکالی ندارد.	شكراً . متشکرم



\*\*\*

صالة : سالن = قاعة      تفتيش : بازرسی      جمارك : گمرک      ذكريات : خاطرات « مفرد : ذكري »

\*\*\*

" تمرین ۱ " ص ۳۸

\*\*\*

التمرین الأول : أي كلمة من كلمات المعجم ، تناسب التوضیحات التالية؟  
۱- إدارة مسؤولة عما يحمله المسافرون من بلاد أخرى . مسؤولة عما : مسئول آنچه « عن + ما = عما »  
ترجمه : اداره ای که مسؤول آنچه که مسافران از سرزمین های دیگر می آورند است.

پاسخ : الجمارك : گمرک

۲- الأعمال التي نفعها للإبتعاد عن الخطر أو المرض .

ترجمه : کارهایی که برای دور شدن از خطر یا بیماری آنرا انجام می دهیم.

پاسخ : الوقاية : پیشگیری

۳- حيوان يدير رأسه مع حركة الشمس كانه يعبدها .

**ترجمه:** حیوانی که سرش را با حرکت خورشید می چرخاند مثل اینکه آن را عبادت می کند.

**پاسخ:** حَرَبَاءُ: آفتاب پرست

۴- نَبَاتَاتٌ مُفِيدَةٌ لِّلْمُعَالَجَةِ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا كَدَوَاءِ.

**ترجمه:** گیاهانی مفید برای درمان که مانند دواء از آن استفاده می کنیم.

**پاسخ:** الْأَعْشَابُ الطَّيِّبَةُ: گیاهان دارویی

۵- طَائِرٌ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَيَخْرُجُ فِي اللَّيْلِ.

**ترجمه:** پرنده ایی که در روز می خوابد و در شب خارج می شود.

**پاسخ:** أَلْبُومٌ: جغد

۶- الشَّيْءُ الَّذِي يُعْطِي نُورًا لَنَا.

**ترجمه:** چیزی که نوری برای ما می دهد.

**پاسخ:** أَلْمُضِيءُ: نورانی

\*\*\*

" تمرین ۲ " ص ۳۸

\*\*\*

الَّتَمْرِينُ الثَّانِي: عَيْنُ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ. بازگشت به فهرست

۱- غُرَابٌ: كَلَاغٌ  عَصْفُورٌ: كَنْجَشِكٌ  بَوْمٌ: جَغْدٌ  ضَوْءٌ: رُوشَنَائِي

۲- حَلِيبٌ: شِيرٌ  عَصِيرٌ: آمِيوهُ  ذَكْرَى: خَاطِرُهُ  شَايٌ: چَايٌ

۳- كَلْبٌ: سِگٌ  حَرَبَاءُ: آفَتَابُ پَرَسْت  جَمَارِكٌ: كَمَرِكٌ  قَرَسٌ: اسبٌ

۴- عِيُونٌ: چَشْمٌ هَا  أَقْدَامٌ: پَاهَا  أَيْدِي: دَسْتٌ هَا  بَسِيطٌ: سَادِهٌ

۵- حَقِيبَةٌ: كَيْفٌ  سَيَّارَةٌ: خُودُرُو  طَائِرَةٌ: هَوَائِيْمَا  حَافِلَةٌ: اتوبوسٌ

۶- تَفَاحٌ: سِيْبٌ  صُدَاعٌ: سَرْدَرْدٌ  عَنَبٌ: انگورٌ  رَمَانٌ: انارٌ

\*\*\*

" تمرین ۳ " ص ۳۸

\*\*\*

الَّتَمْرِينُ الثَّلَاثُ: أُكْتَبُ مَفْرَدَةً هَذِهِ الْكَلِمَاتِ. بازگشت به فهرست

عِيُونٌ: عَيْنٌ: چَشْمٌ / ذِكْرِيَّاتٌ: ذَكْرَى: خَاطِرُهُ / اَسْمَاكٌ: سَمَكٌ: مَاهِيٌ / اَضْوَاءٌ: ضَوْءٌ: رُوشَنَائِي / اَعْشَابٌ: عَشْبٌ: گِيَاهٌ

\*\*\*

" تمرین ۴ " ص ۳۹

\*\*\*

الَّتَمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرَجِمُ إِلَى الْفَارَسِيَّةِ. بازگشت به فهرست

۱- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ الزَّرَافَةَ لَا تَنَامُ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ إِلَّا أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً وَعَلَى ثَلَاثِ مَرَاحِلٍ؟ **أَقَلُّ مِنْ: كَمْتَر**

**ترجمه:** آیا می دانی که زرافه در یک روز فقط کمتر از سی دقیقه و در سه مرحله می خوابد؟

۲- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ مَقْبَرَةَ « وَاْدِي السَّلَامِ » فِي النَّجَفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ؟

**ترجمه:** آیا می دانی که قبرستان «وادی السلام» در نجف اشرف از بزرگترین قبرستان ها در دنیا است؟

۳- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ الصِّينَ أَوَّلَ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَحْدَمَتْ نُقُوداً وَرَقِيَّةً؟

**ترجمه:** آیا می دانی که چین اولین دولتی در دنیا است که پول های کاغذی را به کار گرفت؟

۴- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ الْفَرَسَ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَاَقْفًا عَلَى أَقْدَامِهِ؟

**ترجمه:** آیا می دانی که اسب ایستاده روی پاهایش قادر به خوابیدن است؟

۵- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ أَكْثَرَ فَيْتَامِينِ C لِلبُرْتَقَالِ فِي قَشْرِهِ؟



ترجمه: آیا می دانی که بیشترین ویتامین C پرتقال در پوستش است؟



### "النشاط اللغوي" ص ۴۰



ابحث عن صور مناسبة لخمس من المهن و الحرف التالية، ثم اكتب سطرًا لكل منها. **بازگشت** به فهرست

**آرایشگر زنانه**: ماشطة، ماشطة

**آسیابان**: طحان

**آهنگر**: حداد

**آهنگساز**: ملحن

**آيينه کار**: فنان زخرقة المرايا

**اتوکش**: گواء

**انباردار**: أمين المستودع

**پیرایشگر (سلمانی)**: حلاق



**باربر**: حمال

**بازاریاب**: خبير التسويق، مسوق

**بازرس**: مفتش

**بافنده**: حائك



**برق کار**: كهربائي

**برنامه ریز**: مبرمج، مخطط

**بنا**: بناء

**پارچه فروش**: بزاز

**پژوهشگر**: باحث

**پستچی**: ساعي البريد

پیمانکار : مَقَاوِل  
تایپیست (حروفچین) : طَبَاع ، طابِع عَلَى الْأَلَّةِ الْكَاتِبَةِ  
تراشکار : خَرَّاطُ الْحَدِيدِ



تعمیرکار : مُصَلِّح  
تکنیسین : تَقْنِي  
تولیدکننده : مَنِج  
چوپان : رَاعِي (رَاع)  
حسابدار : مُحَاسِب  
خاتم کار : مُطْعَمُ الْخَشَبِ  
خبرنگار : مُرَاسِل  
خدمتکار : خَادِم  
خواربار فروش : بِقَالَ  
خواننده : مُغْنِي  
دربان : بَوَّاب  
راننده : سَائِق  
راهنمای سفر : دَلِيلُ السَّفَرِ  
رفتگر : كَنَّاس ، زَبَّال  
رنگ کار : مُلَوِّن ، صَبَاغ



روزنامه نگار : صَحْفِي ، صَحْفِي

زرگر: صَائِعُ الذَّهَبِ  
زنبوردار : نَحَّال ، مَرِي النَّحْلِ



سبزی فروش : بَائِعُ الْخَضْرَاوَاتِ  
سفالگر : فَخَّارِي ، صَائِعُ الْفَخَّارِ ، خَرَّاف ، صَائِعُ الْخَرَّافِ



سنگ تراش : حَجَّار ، نَحَّاتُ الْأَحْجَارِ

شیرینی فروش : حَلَوَائِي  
صندوقدار : أَمِينُ الصَّنَدُوقِ

طراح صنعتی : مُصمِّم صِنَاعِي  
طراح لباس : مُصمِّم الْأَزْيَاء  
طلافروش : بَائِعُ الذَّهَبِ  
عکاس : مَصُور  
غواص : غَوَّاص  
فروشنده : بَائِع  
فیلم ساز : مُنتِج الْأَفْلَامِ



قاب ساز : صَانِعُ الْإِطَارَاتِ  
قصاب : جَزَّارٌ ، قَصَّابٌ  
کارشناس : خَبِيرٌ  
کارفرما : مُدِيرُ الْعَمَلِ ، رَبُّ الْعَمَلِ  
کارگر : عَامِلٌ  
کارگردان : مُخْرِجٌ  
کارمند : مُوظَّفٌ  
کاشی کار : بِلَّاطٌ



کاشی کار سنتی : فَنَّانُ زَخْرَفَةِ قَاشَانِيَّةِ  
کشاورز : زَارِعٌ ، قَلَّاحٌ ، مُزَارِعٌ



کفّاش (کفشدوز) : حَذَّاءٌ ، صَانِعُ الْأَحْذِيَّةِ ، إِسْكَافِي



کلیدساز : صَانِعُ الْمَفَاتِيحِ  
گارسون : نَادِلٌ ، جَرَسُونٌ  
گچ کار : مَبِيضُ الْجُدْرَانِ  
لوله کش : سَبَّاکٌ ، مَصْلِحُ الْأَنْبِيَبِ  
ماهیگیر : سَمَّاکٌ



مجری : مَخْبِر ، مَذْبِيع  
مغازه دار : صَاحِبُ الْمَتَجَرِ  
مکانیک : مَكَانِيكِي



ملوان : بَحَّار ، مَلَّاح  
منبت کار : فَنَّانِ حَفْرِ الْخَشَبِ



مهماندار : مَضِيف



مهندس ساختمان : مِهْنَدِسُ الْعِمَارَةِ

مهندس کشاورزی : مِهْنَدِسُ زِرَاعِي

ناخدا : رَبَّانُ السَّفِينَةِ

نانوا : خَبَّاز ، فَرَّان

نجار : نَجَّار

نظافتچی : عَامِلُ التَّنْظِيفِ

نقاش تابلو : رَسَّام

نقاش ساختمان : صَبَّاح



نگهبان : حَارِس ، نَاطُور

نوازنده : مَوْسِيقَار ، عَزَّاف

نویسنده : كَاتِب ، مَوْلِّف

واکسی : صَبَّاح

ویراستار : مَصْحَح

هنرپیشه : مَمَثَل

هنرمند : فَنَّان





إِيَّهَا الرِّمْلَاءُ : ای همکلاسی ها  
إِلَى اللِّقَاءِ ، نَنْتَظِرُكُمْ : به امید دیدار منتظر شما هستیم  
فِي الصَّفِّ الحَادِي عَشَرَ : در کلاس یازدهم  
حَفِظَكُمُ اللهُ : خدا حافظ شما  
فِي أَمَانِ اللهِ : مَعَ السَّلَامَةِ. در پناه خدا ، سلامت



بازگشت به درس ۴



پایان درس چهارم

برو به پایان

بازگشت به فهرست



" محمد باقر بهروزی "

(@Mba\_behruzi)

دبیر عربی استان مازندران

شهرستان نکا



۰۹۳۶۸۴۰۶۶۳۳

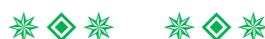
منتظر ارسال پیشنهادات و انتقادات اساتید ارجمند هستیم.

ویرایش : شهریور ۱۴۰۰



ما را در کانال عربی دهم به آدرس زیر دنبال کنید

<https://t.me/Arabi10beh>



التماس دعا

بازگشت به فهرست

برو به درس چهارم

برو به درس سه

برو به درس دو

برو به درس یک